

گریستینه پروکتر در مرز ادبیات جدی و سرگرم‌کننده

گفت‌وگو با دکتر فریض بلوک مسئول بنیاد پروکتر - گوهر



Dr. F. W. Block Ein Gespräch mit

چه وقت و چگونه با گریستینه پروکتر آشنا شدید؟

من با گریستینه پروکتر و انوهارنرش گوهر همر و همکار پروکتر در اواخر سال ۱۹۸۶ آشنا شدم در آن وقت آخرین روزهای تحصیل ام را می‌گذراندم و این روح به‌دنبال کسی می‌گشتند که مجموعه‌ی از متون گروتسک را جمع‌آوری کند. این مجموعه می‌بایست از میان تاریخ ادبیات آلمانی زبان به نگاهی استادگنده که بتوان آن‌ها را به‌عنوان طنز می‌لطف‌آمیز معرفی کرد. زیرا دو سال قبل از آن جایزه ادبی گاسل توسط این زوج نویسنده برای اثر برگزیده ادبی در ژانر گروتسک تعیین شده بود. این جایزه شامل ۱۵۰۰۰ مارک بود که امروزه به ۲۰۰۰۰ مارک افزایش یافته است. جایزه به نویسندگان آلمانی زبانی که در آثارشان طنز و میالغه نقش برجسته‌ی داشته باشد اعطا می‌شود. جایزه اسامی به گوتفرد تاویری نویسنده و تهیه‌کننده نمایش تعلق گرفت. در هر حال من یک سال بر روی این مجموعه کار کردم بعداً این مجموعه در انتشارات اوپلشتاین برلین به‌چاپ رسید.

آیا گریستینه پروکتر نسبت به همسرش از استعداد طنز نویسی بیشتری برخوردار بود؟

هنر طنز قبلی از هر چیز توسط انوهارنرش گوهر به‌کار گرفته می‌شد. مثلاً در رمان‌هایی مانند: «سوراخ در راکت عالیجناب بز اهل خوابگاه» کتاب‌های داستانی چون «دوست خیبری و غروتسک‌کاهی» یا کتاب‌های شعری که حول شخصیت هنری او می‌چرخد دور می‌زند. طبیعتاً لازم نیست در آثار گریستینه پروکتر با دردمند به دنبال طنز گشت. شخصیتی همانند گوینت پیر در رمان «آکود و گشاه» یک شخصیت کمیک است.

شخصیت‌هایی همانند او در سنت روایتی قرن نوزدهم پیش از همه در آثار فونتانه دیده می‌شود. شرح و توصیف گریستینه وولپوس خدمتکار و در عین حال همسر سرزنده گوته در کتاب «اگر تو حرف زده بودی

دردموند» طنز روشنی است و طبیعتاً زبان نویسنده با شوخی‌ها و بازی‌های زبانی درهم آمیخته است.

آیا شما هم با برخی منتقدان که گریستینه پروکتر را نویسنده ادبیات غیرجدی و سرگرم‌کننده می‌مانند هم عقیده‌اید؟

او می‌خواست با آلتراش دیگران را سرگرم کند و موفق هم شده است اما هدفش فقط این نبوده. او در آلتراش به‌معنای خاصی می‌اندیشیده و مثال‌هایی ارائه داده و از آن جا که بیشتر خوانندگان آلتراش زنان هستند، خواهان گفت‌وگو با خوانندگان زن بوده و تلاش خود را کرده تا ظاهراً فهم نویسنده از همین رو فرم‌هایی برای انتقال پیام‌ها، تصورات و احساسات خود را جایگزین زیبایی‌شناسی در آلتراش کرده و قصد او نیز تحریک برانگیختن تصورات خوانندگان آثار خود بوده است. ما در آلمان میان ادبیات جدی و ادبیات سرگرم‌کننده مرزبندی دقیق و قایل صلاحه‌ی داریم و این طبقه‌بندی شامل حوزه‌هایی چون موسیقی و هنرهای دیگر نیز می‌شود. در این‌جا آنها گریستینه پروکتر است که با آلتراش بر سر مرز بین این دو وجه ادبی و بر اساس ادبیات جدی سرگرم‌کننده (پیش‌اندازنده) ادبیاتی که در کنار ادبیات عالی علمیه علاقمند به ادبیات علمی نیز هست و همچنین مانند «یاووی Yellow Page» دست را آلوده خود نمی‌سازد. اگرچه از پایان جنگ جهانی دوم ناسکون از رزایی و بحثی بر سر عملگردهایی زیبایی‌شناختی و جامعه‌شناختی این نوع ادبیات انجام نگرفته است.

کدام اثر را شاهکار گریستینه پروکتر می‌دانید. سه‌گانه پونیشین؟

موفق‌ترین کتاب او، آلتراش رمان «بدون ردها» است که در ۱۹۵۴ منتشر شد و جایزه انتشارات برلنرمان را به دست آورد و پس از آن ترجمه‌های رمان به زبان‌های بسیاری درخواست شد و همین موقعیت

برای پروکتر امکان نویسندهی آزادانه و برخوردار از امکانات اقتصادی را ممکن ساخت. توفیق بزرگ بعدی او دو جلد نخست از رمان سه‌گانه پونیشین بود. فیلمی از روی همین رمان نیز به فیلم موردپسند عامه تبدیل شد. پس از آن کتاب «اگر تو حرف زده بودی» در دهه‌ی شصت شهرت غیرقابل انتظاری را به‌دنبال داشت. کتاب ادیبی را مطرح می‌کرد که تاکنون به ذهن هیچ‌کس خطور نکرده بود تا از این طریق به زنان در فرهنگ غرب صدایی بسخشد. این متن ابتدا به‌عنوان پیش‌نویس مولولوگ‌های نظارت مورد استفاده قرار می‌گرفت و تا امروز در سطح جهان بر صحنه‌های بی‌شماری به نمایش درآمده است.

گریستینه پروکتر در «اگر تو حرف زده بودی» در دهه‌ی هفتاد حرف‌های ناگفته زنان رنجیده و آزردده خاطر را بازگو می‌کند. آیا او خود نیز یک زن رنجیده بود؟

گریستینه پروکتر یک شخصیت دلسوز، همسر و در عین حال مصمم و مسلط بود. از زمانی که من او را شناختم هرگز احساس نکردم که مائمی برای حرف زدن او وجود دارد. او خود را همیشه در مسائل اجتماعی و سیاسی درگیر می‌کرد و در نسبت‌های بسیاری به سخنرانی می‌پرداخت. او در بسیاری از فعالیت‌های نیکوکارانه نیز دست داشت مثلاً در انجمن PEN برای سازمان کمک به نویسندگان زنانه که این نقش با بنیان‌گذاری بنیاد پروکتر امتداد می‌یابد. او در اجتماع

دوستان و همکاران و با نمایندگان رسمی شهر، کشور و دولت، همواره شخصیت مرکزی بود که سخن می‌گفت، به او گوش فرامی‌دادند و محور توجه همگان بود. او از بیرون زنی واقعاً قوی و مجذوب‌کننده بود و از درون زنی بسیار حساس که همواره به همسرش به‌عنوان پناهی در زندگی خود نیاز داشت.



از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴ کریستینه عهده‌دار معاونت انجمن PEN آلمان می‌شود و در این موقعیت از نویسندگان زلفانی حمایت می‌کند این عکس از زنان عضو هیأت مدیره جدید و منتخب PEN است (اینگه بورگ در پیش، درونی زوله، کریستینه بروکتر، گنو هارت لایوب).



انواع‌بیش کوهنر پس از تحصیل در رشته ادبیات و موسیقی و همچنین فلسفه در هایدلبرگ از سال ۱۹۵۰ در اداره رادیوی جنوب آلمان در شهر اشتوتگارت به نوشتن نمایشنامه پرداخت.



در ۱۹۸۲ شهر دار هانس ایشل حلقه نشان شهر را به این دو نویسنده اعطا می‌کند.



در ۱۹۶۷ این دو با یکدیگر ازدواج می‌کنند. کوهنر به خانه کوچکی در شهرک آوولد که کریستینه در ۱۹۶۵ پنج سال پس از بازگشت به کاسل تهیه کرده، نقل مکان می‌کند. کریستینه خوشبختی خود را در یکی از کتاب‌هایش به نام «کتاب خوشبخت (الف.پ.)» بروز می‌دهد.



در سال ۱۹۸۷ کریستینه بروکتر عنوان شهروند افتخاری موطن خود را به دست می‌آورد. این زوج نویسنده (کوهنر - بروکتر) از تبه خود را به عنوان امانت شهر کامل وقف بنیاد کردند که اکنون با حفظ و نگهداری از آثار و آثار و ماترک این دو نویسنده قادر به فعالیت گسترده‌ای است.

کارگاه نگارش به‌خاطر سفرهای طولانی این زوج موثقتاً تعطیل می‌شود. کریستینه جنوب را دوست دارد (پاتموس - اژینا - ایشیا - هنار) و کوهنر عاشق شمال است. (لایپزید - اسپانلند و اسپلند) که این را در کتاب مشترک آن‌ها تجربه و شناخته می‌توان خواند. آن‌ها با دوست شاعرشان هرمان تنس از Vogesen می‌کنند.



تصویرهای زندگی کریستینه بروکس انوهاپنریش کوهرنر



کریستینه بروکس، ۱۰ سپتامبر ۱۹۲۱
در اشمیلینگ هاوزن Schmilling
Housen متولد و به نام الیزابت آلیا
گرتزود هلنه کریستینه آمده غسل تعمید
داده شد. او در تمام عمرش از تباط
نزدیک خود را با زادگاهش حفظ کرد و
پس از مرگ، جسدش در ۲۱ دسامبر
۱۹۹۶ به آنجا بازگردانده و در گورستان
اشمیلینگ هاوزن در کنار همسر و
والدینش آرامید.

انوهاپنریش کوهرنر همسر کریستینه در
نیمبورگ Nimburg در کنار کاپیز
لشتیل در ۱۰ مارس ۱۹۲۱ متولد شد.
همانگونه که او خود را در یکی از
اشعارش توصیف می‌کند، شاگردی بود
در مدرسه زندگی و از شادی و رنج
نکته‌هایی به بازیکی مو آموخته بود. او
ده هفته قبل از همسرش در ۱۸ اکتبر
۱۹۹۶ دیده از جهان فرو می‌بندد.



پدر کریستینه، کارل امده Carl Emde
[۱۸۶۷-۱۹۴۰] کفیش اشمیلینگ هاوزن بود.
پدر بزرگ کریستینه نیز سابقاً در همان‌جا تدریس
می‌کرد.



پس از این‌که خانه پدری در بیمارلان کاسل در ۱۹۴۳
ویران شد کریستینه با مادرش به خانه دایی خود
و پناهگاه شولتسه در تسوخوو Zuchow در پومرن سفلی
فرار کرد. این دوره زمانی دانشین در ملک آریایی بعدها
در اولین جلد سه‌گانه پونیشین خود را نشان داد.

انوهاپنریش کوهرنر از ۱۹۴۰ تا پایان جنگ در جهت
غرب و شرق سرباز بود این ستوان جوان در ۱۹۴۳
مأمور به خدمت در روسیه شد. از دفتر خاطرات جنگ
او اولین رمان کوهرنر انیکلاس کویبه و از خاطرات
اسارت در روسیه کتاب کوچک شعر: «در حاشیه یک
بزرگ شهر» پدید آمد که هر دو در ۱۹۵۳ به چاپ
رسیدند.

کریستینه پس از آزمون کتابداری و تحصیل در
رشته‌های هنر و ادبیات، روانشناسی و اقتصاد و
فعالیت‌های متعدد دیگر در ماربورگ به مدت ۹ ماه در
نورنبرگ سردبیر نشریه جهان زنان شد.